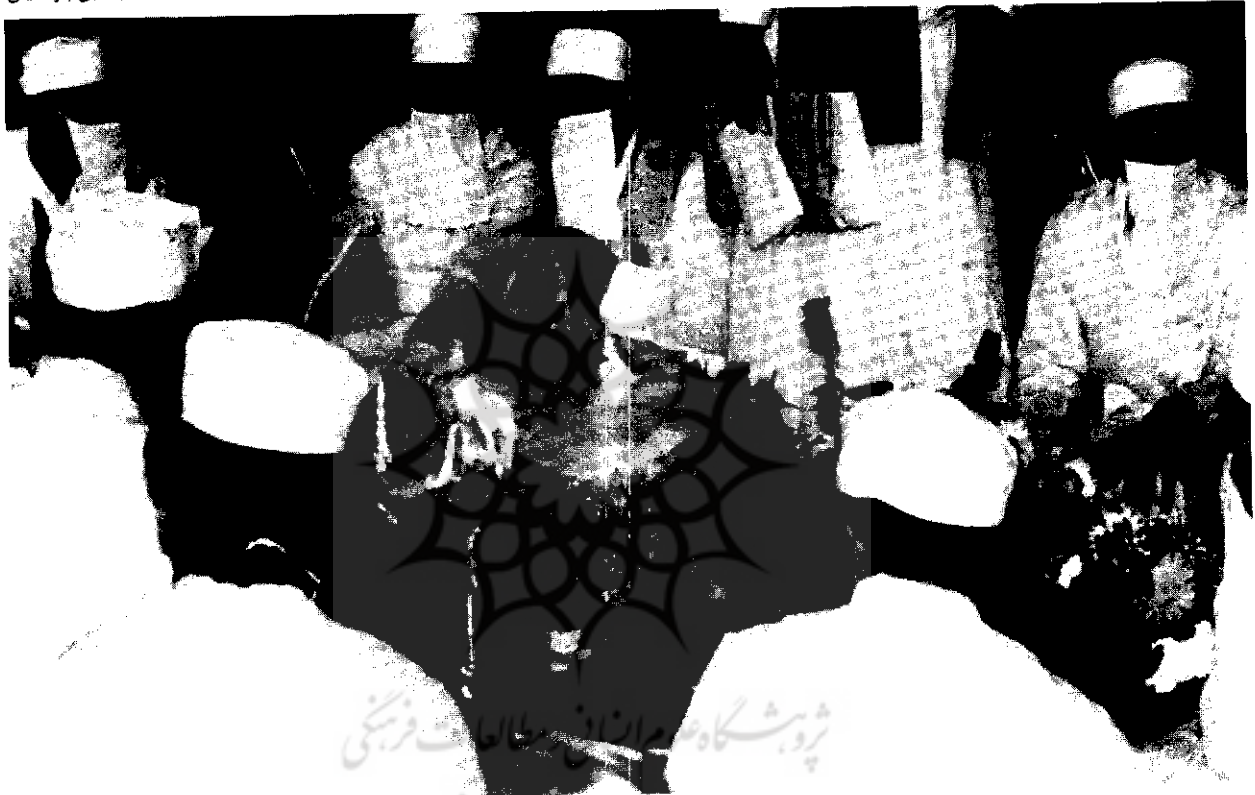


# دفاع بهدینان از آیین مزدایی

گزارشی از سه کتاب کهن در حوزه الهیات زرتشتی

حسام‌الدین پارسایان



رفته و مذاهب بسیار را آزمودم زیرا من دینم را تنها به خاطر آن که آن را به ارث برده بودم، برنگزیده بودم، بلکه دینی را می‌خواستیم که پایه‌اش سخت بر خرد و برهان استوار باشد و از این بابت مورد پذیرش بیشترین مردم باشد. بنابراین، مذاهب و فرقه‌های مختلف را آزمودم تا این که به لطف خداوند به نیرو و فره و تون دینی بهی از ورطه تاریکی و از شک‌ها، که به زحمت خود را از آن رها ساختیم نجات یافتیم و به نیروی این دانش دینی ... از شک و تردید بسیار، از سفسطه‌گری‌ها، فریب‌ها و شرور مذاهب و فرقه‌ها و به ویژه از اهریمنی‌ترین فریب‌دهندگان و بدترین آموزگار باطل، آن "مست از خرد"، یعنی مانی‌رهایی پیدا کردم. "پس مردان فرخ یک زرتشتی معتقد و به این دین استوار بود، زیرا به نظر وی دین زرتشتی تنها توضیح معقول و خردپسند را برای آن معماها و معضلات اولیه دینی چون آفرینش و هستی بی‌چون و چرای شر و بدی، ارائه می‌کرد. از بخش هفتم تا بخش دهم شکندگمانیک وزار، او دلایل خویش را در جانبداری از یک راه‌حل دوگانه گرای برای این معضلات عرضه می‌دارد.

به گفته آر. سی زرن این تصادفی نیست که او دین

شانزده هزار و هفتصد کلمه است، به زبان پهلوی به نگارش درآمده و بعدها توسط دانشمند زرتشتی دیگری به نام "نیروستگ" به زبان سنسکریت ترجمه و به یازند گردانیده شده است. راجع به نگارنده و تاریخ زندگی او غیر از این کتاب هیچ گونه سده دیگری در دست نیست. از عقاید و نام "مردان فرخ پسر اورمزد داد" چنین برمی‌آید که وی شاید مقام دستوری یا موبدی داشته است. از آنجا که نویسنده از دینکرد تألیف آذر فرنیغ فرخزادان به عنوان یکی از منابع خود یاد می‌کند این احتمال هست که او در اواخر قرن سوم هجری می‌زیسته است. در واقع، مردان فرخ پسر اورمزد داد، پس از غلبه اسلام و در زمانی می‌زیست که زرتشتی بودن متضمن نانوایی‌های سیاسی فراوانی بود، اما زرتشتی بودن او به خاطر آن نبود که نیاکان ایرانی او بر آن دین بودند، بلکه زرتشتی بود چون این گونه می‌پنداشت که دین حقیقی آن است. وی در بخش دهم شکندگمانیک وزر می‌گوید: "اکتون همان گونه که در بالا گفته‌ام همیشه مشتاقانه در پی شناخت خداوند بودم و در جست‌وجوی دین او و پی بردن به اراده‌اش کنجکاوی می‌کردم. با این روحیه تحقیق، به سرزمین‌های بیگانه بسیاری سفر کردم و حتی به هند

در قرون نخستین اسلامی ادیان و مذاهب و فرقه‌های متعددی در هم‌زیستی به سر می‌بردند و همین امر، موجب شد تا افکار و عقاید آنها در حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی مجال طرح یابد. در این عهد؛ کتب و رسالات متعددی هم توسط علمای دین زرتشت به نگارش درآمد که برخی از آنها هنوز باقی است، در این میان، ایرانیاتی که هنوز به کیش زرتشت وفادار مانده بودند، بری تقویت عقیده همدینان خود و رفع شبهات مطرح از سوی ادیان دیگر به نگارش کتب کلامی، علاوه بر کتب دینی، اخلاقی و فقهی، دست یازیدند. از میان کتب کلامی به جای مانده، که اغلب توسط پارسایان به هند برده شد و از این طریق محفوظ ماند، می‌توان از "شکندگمانیک وزار"، "ماتیکن گجستک نیایش" و "پس دانشن کامگ" نام برد. در این مجال سعی بر آن است تا نگاهی گذرا داشته باشیم بر این سه کتاب.

## الف) شکندگمانیک وزار

شکندگمانیک وزار، که آن را گزارش گمان‌شکنی، یا شرح رفع شبهه یا "کاسیرالطن" ترجمه کرده‌اند، تألیف "مردان فرخ پسر اورمزد داد" است و این نام را خود بر آن نهاده است (فصل ۱ بند ۳۸). این کتاب، که دارای

مانوی را برای طرد و تکفیر خاص خود برمی‌گزیند، زیرا، کیش مانوی مانند دین زرتشتی یک مذهب ثنوی یا دوگانه‌گرایی شدید است- با یک تفاوت. کیش مانوی بدی و شر را با ماده یکی می‌گیرد و نیکی را با مینوئی یکی و بنابراین به ویژه مینا و پایه عقیدتی مناسبی برای هر گونه زهدورزی و بسیاری از صور عرفان است. عقیده بنیادی کیش مانوی این است که این جهان از گوهر شیطان ساخته شده است و این ادعا، زرتشتیان را که دیدشان نسبت به چیزهای این جهان به قول ویلیام جیمز اساساً "تفکری سالم است، سخت به وحشت می‌افکند. دین زرتشتی و کیش مانوی، درست در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند: هر دو، هر یک به طریق خویش، افراطی هستند.

دین زرتشتی کل آفرینش مادی را در بالذات، نیک می‌بیند: هر آنچه بدی و فساد و تپاهی است بعداً به وسیله 'هریمن' به جهان آورده شده است. جهان مینوئی مثال و سرمشق این جهان است. اما با آن تفاوت اساسی نداشت و زندگی پس از مرگ بهشتی طبیعی است که در آن نه مرگ هست و نه پیری و بیماری و نه هیچ یک از آن چیزهایی که زندگی در این جهان را دشوار و ناگوار می‌سازد. همه این بدی‌ها و نابسامانی‌ها سرانجام در روزگاران پسین که 'هریمن' یا نابود می‌شود یا به طور کلی از کار می‌افتد، از میان می‌رود.

برای زرتشتیان تن انسان 'رجمندی' خود را دارد، اگر چه ارجمندیش به پایه روان نمی‌رسد، ولی به هر حال ارجمند و شریف است. نظر مانویان که تن را ترکیبی از شر و بدی می‌شمارند و زندانی و لاشه‌ای می‌دانند، برای زرتشتیان غیرطبیعی، منحرف و توهین‌آمیز است.

از این رو نفرت مردان فرخ از مانویت عمیق وداتی است و با توجه به اصول عقاید هر یک از این دو دین، کاملاً معقول و خردپذیر است.

گذشته از این، تصادفی نیست که او دین خود را "دین بهی" می‌خواند، زیرا یک عقیده هست که وی سخت و محکم بر آن ایستاده و آن این که خداوند نیک است. از نظر زرتشتیان خدایان دیگر نه نیک‌اند و نه وانمود می‌کنند نیک هستند، مثلاً با آن که خدای مسیحیت خود را نیک عرضه می‌درد، ولی "شکارا نیک نیست.

همین که واقعیت شر و بدی پذیرفته شد، خدا مسوول و بانی آن است مگر آن که بدی و شر اصلی چنانکه به شمار آید که همزیست با خدا ولی آشتی‌ناپذیرانه مقابل و مخالف او است. شر و بدی، چنان که، مسیحیان می‌پندارند نیاز و محرومیت نیست، بلکه جوهر و اساس است و لذا نیازی نیست که با توجیه و تفسیر آن را رفع و رجوع کنیم. شر و بدی چنانکه مانویان نیز می‌انگازند جهان مادی نیست و نه از جهان مادی سرچشمه گرفته است. شر مینوئی خالص است، نفی زندگی و پتیارگی محض است؛ دش‌اندیشی، بلاهت، خودپسندی کور و خطا است. در کیهان، به صورتی که هست، وحدتی نیست؛ در ابدیت نیز وحدتی نیست.

چگونه می‌تواند باشد؟ در حالی که شر و پتیارگی یک واقعیت است نه یک مساله. زرتشتیان مدعی‌اند که با این واقعیت به صورت معقول روبه‌رو شده‌اند و به خاطر این که همیشه چنین بوده‌اند، دینشان به عنوان یک دین جهانی نمانده است.<sup>۶</sup> ذکر این نکته خالی از فایده نیست که مردان فرخ در زمینه دوگانگی، چیزهای متضاد را به دو گروه بخش می‌کند:

۱- متضادهایی ماهوی، که در نهاد دیگرگون و ضد هم هستند، مانند روشنایی و تاریکی.

۲- متضادهایی که در وظیفه با هم تفاوت دارند. مثل زن و مرد. به نظر او دو چیزی که در نهاد (ماهیت) با هم اختلاف دارند. قابل اختلاط نیستند؛ و سازگاری و همزیستی بین آنها امکان ندارد. وقتی روشنایی می‌آید، تاریکی از بین می‌رود و برعکس، زیرا روشنایی و تاریکی از جهت نماد (طبیعت و ماهیت) با هم تضاد دارند. ولی همزیستی و اختلاط بین دو چیزی که از جهت وظیفه باهم تفاوت دارند ندنی است. مانند زن و مرد که اختلافشان وظیفه‌ای است و نه ماهوی. شاید زرتشتیان مقایسه مردان فرخ می‌خواهد نتیجه بگیرد که تفاوت بین اورمزد و هریمین ماهوی است.<sup>۷</sup>

او در جای دیگری، تضاد دنیای مادی را به جهان غیرمادی هم تسری می‌دهد و می‌گوید. در جهان معنوی هم عناصر متضاد وجود دارند که گاهی برای ویرنی یکدیگر می‌کوشند و گاهی با هم سازگاری دارند. وی استدلال می‌کند که "علت امور مادی در امور معنوی است (و یا به عبارت دیگر) جهان مادی، اثر جهان معنوی (روان) و جهان معنوی علت جهان مادی است... (شکندگمانیک وزار زرتشتی فصل پنجم بندهای ۲۵-۳۷)"<sup>۸</sup>

### اهمیت کتاب شکندگمانیک وزار

این کتاب از جهات بسیاری دارای اهمیت فراوان است. نخست این که، شکندگمانیک وزار زرتشتی عکس‌العمل زرتشتیان در برابر ادیان دیگر و فرقه‌هایی که در آن زمان در ایران می‌زیست‌اند، مطالبی مهمی در بردارد.<sup>۹</sup> دوم این که، در این کتاب، برخلاف اغلب ادیان دیگر از سلاح استدلال منطقی استفاده شده و در آن کمتر به سطوره و افسانه یا استناد به نص کتاب اوستا و زند، بدون ذکر دلیل منطقی برمی‌خوریم. تفاوت اصلی آن با دینکرد در زبان ساده و روان آن است. گمان می‌رود که شکندگمانیک وزار برای طبقه عام‌تری نوشته شده، در حالی که نویسنده دینکرد و خوانندگان خاص‌تر و عالم‌تری را مد نظر داشته است.<sup>۱۰</sup>

سوم این که، از آنجا که مولف سعی دارد که در مسائلی دینی و نفی و اثبات فضایی جز به دله عقلی توسل نجوید، این نکته از لحاظ شناختن روش استدلال و منطق ایرانیان، که بی‌تأثیر در شیوه کتاب عقاید دینی از سوی متکلمان مسلمان نبوده، در خور ملاحظه است.<sup>۱۱</sup> چهارم این که، شمارش ساده مسائل مطروحه در شکندگمانیک وزار، میزانی از افق فکری روحانیون مزدایی را به دست می‌دهد. برخی از اندیشه‌های یونانی در ذهن و زبان روحانیون زرتشتی وارد شده و جزئی از عقاید ایشان شده بود.

مانند نظریه مربوط به عناصر، نظریه مربوط به سه قریحه روژ طبق عقیده ارسطو، نظریه کروی بودن جهان، نظریه ارتباط بین جهان خرد و جهان کلان (عالم کبیر و عالم صغیر)، نظریه مربوط به روزنه‌ای که در گنبد آسمان برای طلوع و غروب ماه و خورشید تعبیه شده و بالاخره نظریه مربوط به کلمه (لوگوس) مسیحی. جز اینها، منطق، فیزیک و فیزیکولوژی یونانی هم در لابه‌لای کتاب شکندگمانیک وزار، دیده می‌شود، که موضوع‌های آن به شرح زیر است: الف) حمله هریمین به اورمزد بر پایه منطق اصداد توجیه می‌شود. ب) اورمزد، قادر مطلق، نمی‌تواند کاری کند که بد، نیک شود.

قدرت کامل، قدرت انجام کار بخردانه نیست. پ) توضیح طالع بینانه نیک و بد با اتکا به تأثیر ستارگان (آفریدگان اورمزد) و سیاره‌ها (آفریدگان هریمین). ت) ضدیت با خداشناسان، ماده پرستان، شکاکان و

لدت‌گرایان. ج) ضرورت دو اصل (و تنها دو اصل). جهان ابزاری است برانگیخته از سوی خدا برای دفع بدی. چ) بدر همه چیز پیدا در این جهان، در جهان ناپیداست. ح) دشمن، قدیمه بر آفرینش است (خ) روان ما احساس گم‌گشتگی دارد، پس باید اغفل‌گری وجودداشته باشد.<sup>۱۲</sup>

پنجمین جهت اهمیت شکندگمانیک وزار در این است که مجادله یا مناظره میان مسیحیت، یهودیت مانویت و اسلام بازتاب همزیستی بسیار گسترده آئین‌ها است که مشخصه قرن‌های نخستین اسلامی است.<sup>۱۳</sup> نکته ششم این که، در این کتاب تاحدی اندیشه‌هایی که حال و هوای عرفانی دارند مجال طرح یافته‌اند.<sup>۱۴</sup> و از همین رو، مطالعه این کتاب برای پژوهنده دین زرتشتی البته خالی از فایده نیست. هفتمین جهت اهمیت کتاب این است که، از لحاظ اصطلاحات و تحول زبان فارسی، این کتاب اهمیت بسزایی دارد و هر چند که متن پهلوی آن در دست نیست لیکن ترجمه این کتاب توسط "نیروسنگ" در حدود نهصد و یا هزار سال قبل به سنسکریت و گردانیدن آن به حروف اوستایی تغییرات زبان فارسی آن زمان را با فارسی زمان ساسانیان به خوبی نشان می‌دهد. نکته آخر این که، چنین استنباط شده است که در زمان مأمون خلیفه عباسی، که این کتاب در آن عهد نگاشته شده، نگارش کتب به زبان پهلوی متداول بوده و از شیوه محتاطی که مولفین زرتشتی نسبت به مذهب اسلام داشته‌اند. چنین برمی‌آید که ایرانیان مسلمان نیز از این زبان بی‌اطلاع نبوده‌اند.<sup>۱۵</sup>

### مطالب کتاب شکندگمانیک وزار

مطالب کتاب را پس از مقدمه (فصل ۱) می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: فصل‌های ۲ تا ۱۰ درباره اصول اعتقادات زرتشتی است. فصل‌های ۲، ۳ و ۴ (باب‌های ۱، ۲، ۳) پاسخ به سوالات مهربار پسر مهرداد اصفهانی است که نام وی در آغاز فصل ۱۲ آمده است.

در فصل‌های ۳ (باب ۲) این سوال مطرح است که چرا اورمزد، که قادر مطلق است، هریمین را از بد کردن و بدخواستن باز نمی‌درد؟ نویسنده در پاسخ شرح می‌دهد که قدرت خدا بر امور ممکنه است نه بر محالات. چون جوهر هریمین شر و فساد است و تغییر جوهر بر خلاف عرض ناممکن است، و را نمی‌توان از بدی بازداشت. در فصل ۴ (باب سوم) این سوال مطرح است که "این سپهر را که هر چیز از آن ناشی می‌شود، چه کسی آفریده است: اورمزد یا هریمین؟" نویسنده در پاسخ می‌گوید که سپهر جای ستارگان است که برای آفریدگان، نیکی مقدر می‌کنند. اما سیارات هفتگانه دزدانی هستند که گاه این نیکی‌ها را می‌ربایند و نمی‌گذارند به مردمان برسد. سپس مؤلف به توصیف ستارگان اصلی و سیارات متخاصم آنها پرداخته است. فصل ۵ در منکران خدا است. فصل ۶ نیز در دهریان منکر خدا است.

فصل ۷ در اثبات ثنویت است. فصل ۸ نیز در اثبات وجود نیروی شر (= هریمین) است که دارای جوهری متفاوت از جوهر خدا است. منشأ شر و بدی در عالم است. فصل ۹، که برگرفته از کتاب سوم دینکرد است و فصل ۱۰ نیز درباره ثنویت است. فصل‌های پایانی کتاب (۱۱ تا ۱۶)، که جنبه جدلی دارد به ادیان اسلام (فصل‌های ۱۱ و ۱۲) و یهودیت (۱۳ و ۱۴) و مسیحیت (۱۵) و مانویت (۱۶) است و این فصل آخر به سبب فتادگی نسخه ناقص مانده است.<sup>۱۶</sup>

### ماخذ شکندگمانیک وزار

مردان فرخ، در نگارش شکندگمانیک وزار از آثار دانشمندان زرتشتی هم عصر مانند آذر پادیاونان و

روشن پسر آذر فرنیغ فرخزادان و خصوصاً از دینکرد بسیار استفاده کرده است.<sup>۱۶</sup> تا آنجا که فصل ۲۳۹ (الف) کتاب سوم دینکرد عیناً فصل نهم شکندگمانیک وزار را تشکیل می‌دهد.

در نسخه خطی دینکرد، یعنی نسخه بمبئی (B)، فقط عنوان این فصل ذکر شده و تمام فصل در شکندگمانیک وزار نقل شده است. از این رو، می‌توان حدس زد که مولف این فصل را عیناً از نسخه خطی کتاب جدا کرده و در کتاب خود آورده است و تنها عنوان آن در دینکرد باقی مانده است.<sup>۱۷</sup> به گفته صادق هدایت، اغلب دلایلی که در مولف برای اثبات وجود ایزد و اهریمن و ضدیت آن دو آورده می‌توان در کتب دینی زرتشتی، علاوه بر دینکرد، در «داستان دینیک» نیز مشاهده کرد.<sup>۱۸</sup>

### نسخه‌های شکندگمانیک وزار

متن پهلوی شکندگمانیک وزار از میان رفته است و امروز تحریر یازند و ترجمه سنسکریت آن در دست است. پنج فصل اول کتاب در زمان متاخرتر از یازند دوباره به پهلوی برگردانیده شده است.

از این کتاب، نسخ متعددی به تحریر یازند به جای مانده که قدیمی‌ترین آنها (AK) در قرن پانزدهم میلادی استنساخ شده است و حدود نیمی از متن را دربردارد.<sup>۱۹</sup> به نظر می‌رسد که نسخ خطی شکندگمانیک وزار جملگی از روی یک نسخه اصلی رونویس شده است.<sup>۲۰</sup>

دکتروست (West)، شکندگمانیک وزار را در سال ۱۸۸۵ به انگلیسی ترجمه نمود و پس در سال ۱۸۸۷ میلادی متن یازند را با تصحیحات به چاپ رساند.<sup>۲۱</sup> دکتر وست دو نسخه قدیمی خطی را اساس متن یازند خود قرار داده است. این دو نسخه به یازند و دارای ترجمه سنسکریت است که توسط «نیروستگ» پسر دهول تهیه شده است. به نظر می‌رسد که «نیروستگ» حدود سال ۲۱۵ بزرگدردی مطابق ۸۴۶ میلادی ز ایران به هندوستان رفته است.<sup>۲۲</sup> او در ترجمه سنسکریت خود می‌نویسد: «من نیروستگ پسر دهول، این کتاب موسوم به شکندگمانی و جاز را از زبان پهلوی به زبان سنسکریت ترجمه کردم و متن به علت اشکال رسم الخط فارسی به حروف اوستایی گردانیده شده است. تا درست اندیشانی که به ارادت این سخنان می‌شنوند از برامش دریابند.»<sup>۲۳</sup>

صادق هدایت شکندگمانیک وزار را از روی متن یازند و سنسکریت استقادی دکتر وست و ترجمه انگلیسی او و نیز مطابق تصحیحات بهرام گور انکلسر یا مقابله و تصحیح کرد و تحت عنوان گزارش گمان‌شکن چاپ کرد.

### ماتیگان گجستک ابالیش

رساله پهلوی «ماتیگان گجستک ابالیش» که دارای ۱۲۰۰ واژه پهلوی است،<sup>۲۴</sup> مشتمل بر شرح مباحثه زرتشتی مرتدی به نام عبدالله از اهالی اصطخر، که برحسب سنت نام او را ابالیش می‌خوانند و قبلاً «دی اورمزد» نام داشته با آذر فرنیغ، پیشوای زرتشتیان در قرن سوم هجری در حضور مامون خلیفه است.<sup>۲۵</sup> در این مباحثه بزرگان مسیحی و مسلمان و قاضی دربار هم حضور داشته‌اند. تاریخ این مباحثه را می‌توان در حدود (۲۱۸-۱۹۸) یعنی از خلافت تا مرگ مامون قرز داد. هدایت احتمال داده است که این مباحثه در سال ۲۰۲ هجری انجام شده است، یعنی زمانی که خلیفه مامون پس از مرگ وزیر خود فضل بن سهل هنگام فراغت خود را بیشتر به مباحثات مذهبی صرف می‌کرده، چون تا این تاریخ به واسطه اغتشاشات داخلی مملکت مجال چنین

شده و براساس برخی از عادات و اعتقادات دین مزدیسنی را نشانه گرفته و پیدا است که از طرف دشمن تنظیم شده است. البته باید در نظر داشت که ضبط صورت مجلس کامل مباحثات غیر ممکن بوده و شاید قسمتی از آن که مستقیماً مربوط به مسائل دینی زرتشتیان می‌شده، به صورت این رساله به زبان پهلوی جمع گردیده است.<sup>۲۶</sup> ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در ادبیات زرتشتی و ایرانی گویا یک رشته از این قبیل رسالات وجود داشته است. طبق دینکرد (کتاب پنجم) آذر فرنیغ به سی و سه پرسش «بوخت ماری» که به دین مسیح گرویده بود، نیز جواب می‌دهد و طرف مقابل را مجاب می‌کند. در زمان ساسانیان چندین بار روحانیون زرتشتی برای مطالعه و قضاوت در مورد عقاید جداتیان (مانویان، مزدکیان و عیسویان) تشکیل جلسات رسمی داده‌اند. بعد از اسلام نیز، جز رساله «گجستک ابالیش» رسالاتی به شکل مباحثه بین فقهای زرتشتی و مسلمان در تحت ریاست خلیفه وجود دارد.<sup>۲۷</sup>

اما راجع به دو شخصی که رساله گجستک ابالیش متضمن شرح مباحثه آنها است باید گفت که در مورد آذر فرنیغ که نخستین گردآورنده دینکرد است، اسناد زیادی در کتاب‌های پهلوی وجود دارد و چنین به دست می‌آید که وی در قرن سوم هجری در بغداد می‌زیسته و در همان شهر به گردآوری دینکرد پرداخته است. آذر فرنیغ (آئور فرنیغ) از خاندان آذرپاد مهربایستندان<sup>۲۸</sup> بوده و به واسطه تبحر و تحقیقات او در مسائل دینی، نویسندگان هم‌زمان و بعد از او جملگی نامش را با احترام

مشغولیاتی را نداشته است.<sup>۲۹</sup> سرانجام و چگونگی این مباحثه را رساله «گجستک ابالیش» به گونه‌ای بیان کرده و ابوالمعالی محمد بن حسین علوی<sup>۳۰</sup> به گونه‌ای دیگر، طبق روایت رساله «گجستک ابالیش» ابالیش را که در این رساله زندگی (=زندیق) خوانده شده، هفت پرسش به گونه ایراد از آذر فرنیغ درباره اصول عقاید دین زرتشت، مانند ثنویت (پرسش‌های ۱، ۲ و ۳) و آئین‌ها و مراسم دینی مانند آداب تطهیر (پرسش‌های ۴، ۵ و ۶) و بستن کستی (پرسش ۷) می‌نماید و آذر فرنیغ به پرسش‌های او پاسخ می‌گوید و باعث مسرت خلیفه مامون می‌گردد. ابالیش سرافکنده از دربار خارج می‌شود.<sup>۳۱</sup>

اما، در بیان‌الادیان حکایتی نقل شده که شبیه مباحثه «گجستک ابالیش» است.

ابوالمعالی در روایت خود نتیجه به عکس می‌گیرد و بیان می‌کند که مشرک زرتشتی را فقهای اسلام مجاب نموده و مامون اشاره به کشتن او کرد. به نظر می‌رسد که در این نتیجه‌گیری منقاول و متناقض، علائق و سوگیری‌های دینی و فرقه‌ای مولفان بی‌تاثیر نبوده است. با این همه، باتوجه به مطالب فوق تقریباً تردیدی در حقیقت تاریخی این مباحثه وجود ندارد و نمی‌توان گفت که این رساله جعلی است و زرتشتیان آن زمان این رساله را برای استحکام عقیده هم‌کیشان خود نگاشته‌اند.

زیرا پس از اندکی تامل به خوبی آشکار می‌شود که ایرادات وارد خیلی شدید، حتی با لحن خشونت‌آمیز تهیه



ذکر کرده‌اند. در کتاب دینکرد، دادستان دینیک و شکندگمانیک وزار به عنوان مقدس و دانشمند عالی مقام و بزرگ‌ترین پیشوای بهدینان خطاب شده است.<sup>۲۰</sup> اما راجع به ابالیس باید گفت که از دیدگاه نام‌های ایرانی، ابالیس را نمی‌توان واژه پارسی پنداشت. در نگارش پهلوی، این واژه به گونه‌های مختلفی خوانده می‌شود.

«ابال»، «ابالیا»، «ابالی»، «باله»، «ابالیس» و «ابالیس»، برخی از پژوهندگان این واژه را «باله» هم معنی کرده‌اند. دکتر پرویز خانلری این نام را «عبدالله» خوانده؛ به باور داشت «یوستی» Justi واژه‌ی «ابالیس» همان نام یونانی «آلیاریس» است؛ ولی این واژه باید از ریشه «آلیس» عربی گرفته شده باشد، چون زرتشتیان آن زمان «آلیس» را جزو خود نمی‌شمردند، بدین روی به او عنوان گجستکه یعنی ملعون را داده بودند، که در مورد اسکندر و اهریمن به کار می‌رفته است.<sup>۲۱</sup> دکتر تفضلی هم بر این باور است که «آز آنجاکه ابالیس با لقب گجستک (ملعون) ذکر شده، باید این اسم نام وی (بین دی اورمزد) پس از گرویدن به اسلام باشد و احتمالاً صورت صحیح آن عبدالله است که تسمیه تومسلمانان بدان معمول بوده است.<sup>۲۲</sup>

درباره علت برگشتن او از دین زرتشتی اطلاع دقیقی در متن داده نشده است و تنها پنهانی بر آن ذکر گردیده است: «ایدون گویند، که گجستک اباله زندیک از استخر بود، مرد نیک روان دوست بود و روزی گرسنه و تشنه به آتشگاه پشت آمد (=رفت) که واج گیرد» آنجا کسی

نمود که واج دادی و بیرون بیامد و مردی که خشم به تن مهمان بود، به پذیره (=استقبال) (او) آمد؛ او گفت که چه (را) باید این (گونه) ورزیدن و به آن مردم نیکی کامه بودن که مردی چون تو فرا رسد؛ او را واجی ندهند و ست و خوار و بی‌آرم دارند. اباله نخست دین هرمزد نام بود، منش (=اندیشه) او آشفت و خشم‌اندر تن دور است» او دست از کار گرفته [یزشن یزدان کردن] بازداشت، راه بغداد و درگاه امیرالمومنین (پیش) گرفت (تا با) همگی دانایان و بهدینان و کازیکان<sup>۲۳</sup>، یهودیان و ترسایان پارس ایروزیند (=مباحثه، مجادله کند).<sup>۲۴</sup>

از سوالات مطرح شده از سوی ابالیس، چنین برمی‌آید که او به خوبی از اصول عقاید دین زرتشتی آگاه بوده و در جدل و مناظره دستی داشته و به احتمال قریب به یقین خود از روحانیون این دین بوده است.<sup>۲۵</sup>

قدیمی‌ترین نسخه خطی کتاب K.۰۲ است. نسخه دیگر، TD (متعلق به بهرام‌گور انکلساریا) نسخه‌ای متاخر است. نسخه P.۲۳ (در کتابخانه ملی پاریس) از روی نسخه K.۰۲ در سال ۱۷۳۷ میلادی استنساخ شده است. نسخه M.۲۵ تحریر پارسی (فارسی زرتشتی) رساله است و در سال ۱۱۷۹ یزدگردی (برابر با ۱۸۰۹ م) استنساخ شده است و نسخه M.۲۶ تحریر یازند آن است که ظاهراً در اواخر قرن هجدهم میلادی استنساخ شده است. هر دو نسخه اخیر در کتابخانه دولتی مونیخ نگاهداری می‌شود.<sup>۲۶</sup> رساله ماتیکان گجستک ابالیس برای نخستین بار متن پهلوی و یازند آن به وسیله

خاورشناس نامی «بارتمی»<sup>۲۷</sup> به فرانسه در سال ۱۸۸۷ چاپ و منتشر شد. ولی متن انتقادی به اضافه تصحیحاتی که «بهرام گورانکلساریا» در آن نموده با یادداشت‌های مفصل و فرهنگ و ترجمه انگلیسی توسط «هومی چاچا» (Homi Chacha) در سال ۱۹۳۶ به چاپ رسید و برگردان فارسی آن برای بار نخست توسط صادق هدایت به سال ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران منتشر گردید و برای بار دوم، ابراهیم میرزای ناظر، در سال ۱۳۷۴، آن را از روی متن پهلوی به پارسی برگرداند.

### پس دانشن کامگ

پس دانشن کامگ (=پسر آرزومند دانش) متن کوچکی است مانند شکندگمانیک وزار. اصل پهلوی آن از میان رفته و فقط تحریر یازند آن در دست است. در این متن، پسری درباره دلیل بستن کستی (=کمربند دینی زرتشتیان) از پدرش سوال می‌کند و پدر به او پاسخ می‌دهد و در ضمن پاسخ، بعضی مسائل اصولی زرتشتی مانند ثنویت مورد بحث قرار می‌گیرد. انسان که جهان اصغر است، همانند جهان اکبر به دو قسمت خوب و بد تقسیم می‌شود. بخش بالای بدن اهورایی و بخش پائین بدن اهریمنی است و کمربند حد فاصل این دو است. زبان این متن و نوع استدلالات آن شباهت بسیاری به شکندگمانیک وزار دارد و به احتمال بسیار هم زمان با آن نوشته شده است.<sup>۲۸</sup>

### پی نوشت‌ها:

۱. هدایت، صادق، مقدمه کتاب شکندگمانی و یچار، ص ۲
۲. دینکرد، نگارش محمدجواد مشکور، تهران، چاپخانه پاکت چی پاورقی ص ۱۴
۳. هدایت، همان ص ۳
۴. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار.
۵. زمره آرسی، تالمیم مغان، گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ترجمه فریدون پدراهی، انتشارات توس ص ۵۶
۶. همو، ص ۵۶
۷. همو، ص ۵۶، ۵۷، ۵۸
۸. مهر، فرهنگ، دیدی نواز دینی کهن، فلسفه زرتشت، انتشارات جامی ص ۸۲
۹. فرهنگ مهر احتمال می‌دهد که مردان فرخ زوانی بوده است، زیرا اعتقاد به دوگانگی آفرینشی در میان زروانیان نیرومند است. او همچنین مسلم می‌داند که مردان فرخ از پیروان مکتب دوگانگی آفرینشی است (ص ۸۳) توضیح این که از دیدگاه پیروان مکتب دوگانگی آفرینشی، دوگانگی آمده در گات‌ها، یک نظام آفرینشی است که در آن سینتا مینو خوبی‌ها را می‌آفریند و ضد آن که انگره مینو باشد بدی‌ها را پدید می‌آورد. این مکتب در تقابل با مکتب دوگانگی اخلاقی یا منشی قرار می‌گیرد که بر طبق آن دوگانگی آمده در گات‌ها یک نظام منشی و اخلاقی است که در آن اندیشه خوب در برابر اندیشه بد قرار می‌گیرد. برای توضیح این دو دیدگاه تک: مهر، فرهنگ، همان منبع ص ۷۵ تا ۸۵.
۱۰. هدایت، همان ص ۳
۱۱. تفضلی، همان ص ۱۶۳
۱۲. هدایت، همان ص ۲
۱۳. گیمن، دوشن، اورمزد و اهریمن، ترجمه عباس باقری، انتشارات فرزاد روز، ص ۱۶۲-۳
۱۴. همو، ص ۱۶۲
۱۵. همو ۱۶۲
۱۶. هدایت، همان ص ۱۴
۱۷. تفضلی، همان ص ۱۶۲-۳ و برای خلاصه فصول تک: هدایت، همان ص ۱۲ تا ۱۸
۱۸. و من این گفتار موجز را برای آرزومندان راستی تحقیق نموده، از نامه یادداشت‌های پیشین و دستورات راست، به خصوص از آن آذربایادان مقدس دستچین کردم و این یادداشت راه شکندگمانی و یچار نام نهادم
۱۹. تفضلی، همان ص ۱۶۲-۳
۲۰. هدایت، همان ص ۲
۲۱. تفضلی، همان ص ۱۶۲-۴
۲۲. هدایت، همان ص ۵
۲۳. هدایت، همان ص ۲۴
۲۴. همو، ص ۵
۲۵. ماتیکان گجستک ابالیس، برگردان ابراهیم میرزای ناظر، انتشارات هیرمند ص ۷
۲۶. تفضلی، همان ۱۶۴
۲۷. هدایت، صادق، نوشته‌های فراموش شده هدایت، گردآورنده مریم دانایی برومند ص ۱۰۶
۲۸. ابوالمعالی، محمدالحسین العلوی، بیان الادیان، به تصحیح عباس اقبال، تهران، ص ۱۸
۲۹. تفضلی، همان ص ۱۶۶، در پایان رساله گجستک ابالیس (ترجمه ابراهیم میرزای ناظر ص ۴۵) آمده: آتوشه روان باد اذر فرنیغ فرخ زادن که گجستک ابالیس را شکست داد.
۳۰. هدایت، همان ص ۱۰۷
۳۱. همو، ص ۱۰۸
۳۲. ویسپرد، گزارش ابراهیم پورداود، به کوشش بهرام فره‌وشی، کتابخانه، ابن سینا ص ۱۵۶
۳۳. هدایت، همان ۱۰۶
۳۴. همو، ۱۰۶: نیز تک: ابراهیم میرزای ناظری ص ۷
۳۵. تفضلی، همان ۱۶۵
۳۶. مقصود صدقه گرفتن است
۳۷. به معنی هجوم بردن است که واژه‌ای است اهریمنی.
۳۸. عرب‌ها، مسلمانان
۳۹. ترجمه و توضیحات برگرفته از گجستک ابالیس ترجمه ابراهیم میرزای ناظر (ص ۱۹ و ۱۷) است.
۴۰. تفضلی، همان ص ۱۶۶
۴۱. همو، ص ۱۶۶
۴۲. 43. Gujastak ABalish . par. A. Bathelemy. Paris. 1887
۴۳. تفضلی، همان ص ۱۶۴